

تحلیل نقش عناصر کالبدی در شکل‌گیری هویت بخشی به ساختار محلات شهری (مورد پژوهی؛ محله شیرگش - گرگان)

سوسن علی‌نژاد^۱، حمیدرضا رزمی^۲

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، مهندسی معماری، مؤسسه آموزش عالی گلستان، گرگان، ایران.

^۲ گروه معماری، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران.

نام نویسنده مسئول:

حمیدرضا رزمی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

چکیده

زمینه و هدف: هویت محله‌ای به‌عنوان یکی از عناصر کلیدی سازمان فضایی و اجتماعی شهرها، نقش اساسی در شکل‌دهی به فرهنگ و کیفیت محیط شهری ایفا می‌کند. با گذر زمان، عدم توجه به ساختار کالبدی و عناصر تاریخی محلات می‌تواند موجب تضعیف هویت و زوال ارزش‌های فضایی آنها شود. محله شیرگش گرگان، با وجود پیشینه تاریخی و فرهنگی قابل توجه، تاکنون کمتر مورد مطالعه قرار گرفته و بسیاری از ارزش‌های کالبدی و تاریخی آن مغفول مانده است. هدف از انجام پژوهش، بازشناسی و تحلیل ساختار کالبدی محله شیرگش و تبیین نقش عناصر کالبدی در هویت‌بخشی به سازمان فضایی آن است. **روش پژوهش:** پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر روش‌های ریخت‌شناسی شهری است. ابتدا محدوده جغرافیایی و عملکردی محله تعیین و مرزهای آن تحلیل شد. سپس الگوهای فضایی شامل معابر، بافت ابنیه، قطعات زمین و دانه‌بندی فضایی با استفاده از تکنیک ریخت‌شناسی مکتب کازرن استخراج و به کل محله تعمیم داده شد. کاربری‌های موجود نیز با توجه به استانداردهای خدمات شهری، مقیاس عملکردی و قدمت تاریخی گروه‌بندی و تحلیل شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان می‌دهد ساختار کالبدی محله شیرگش مبتنی بر عناصر تاریخی و فضایی است که نقش اساسی در شکل‌گیری هویت محله‌ای دارند. مرزهای عملکردی و جغرافیایی محله تا حد زیادی هم‌پوشانی داشته و شبکه معابر اصلی و فرعی حفظ‌کننده انسجام فضایی و هویتی محله است. همچنین، تحلیل الگوی قطعات و توزیع کاربری‌ها حاکی از ارتباط تنگاتنگ میان ساختار کالبدی و کارکردهای محله‌ای است که هویت فضایی محله را تقویت می‌کند. **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش حاکی از آن است که شناسایی و حفاظت از عناصر کالبدی و تاریخی محله شیرگش، به‌ویژه معابر و بافت‌های اصیل، نقش کلیدی در حفظ هویت محله‌ای و ارتقای کیفیت محیط شهری دارد. الگویی که در این پژوهش ارائه شده، می‌تواند به‌عنوان ابزاری تحلیلی برای شناسایی و حفاظت از هویت سایر محلات تاریخی و حتی محلات جدید در بافت شهری مورد استفاده قرار گیرد و زمینه‌ساز مدیریت کالبدی پایدار و حفاظت از سرمایه‌های فضایی-فرهنگی شهرها شود.

واژگان کلیدی: هویت، محله، هویت محله، هویت کالبدی، محله شیرگش.

مقدمه

هویت شهری به مثابه برساختی چندلایه و میان‌رشته‌ای، حاصل برهم‌کنش نظام کالبدی، ساختارهای اجتماعی و سازوکارهای ادراکی معنایی در بستر زمان است. در این میان، «محلّه» به عنوان واحد میانی سازمان فضایی شهر، نقشی بنیادین در بازتولید هویت مکانی، تقویت حس تعلق و تثبیت خاطره جمعی ایفا می‌کند [۱]. ساختار محلّه‌ای نه صرفاً یک آرایش فیزیکی از معابر و ابنیه، بلکه سامانه‌ای منسجم از روابط فضایی، سلسله‌مراتب دسترسی، الگوهای همجواری و سازمان کارکردی است که در تعامل با الگوهای رفتاری و فرهنگی ساکنان، به تولید معنا و تمایز فضایی می‌انجامد. از این منظر، هویت محلّه‌ای را می‌توان محصول هم‌پیوندی ابعاد عینی (کالبدی-ریخت‌شناختی) و ابعاد ذهنی (ادراکی-اجتماعی) دانست که در بستر ساختار فضایی متجلی می‌شود [۲]. ادبیات نظری طراحی شهری و جغرافیای انسانی نشان می‌دهد که کیفیت‌هایی نظیر خوانایی^۱، تمایزپذیری^۲، پیوستگی فضایی^۳، مقیاس انسانی و ساختار سلسله‌مراتبی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر ادراک هویت مکان هستند. شبکه معابر، نحوه قطع‌بندی اراضی، الگوی استقرار توده و فضا، ریخت‌ابنیه، مرزهای کالبدی و نشانه‌های شاخص شهری، عناصر سازنده «کدهای فضایی» محسوب می‌شوند که تصویر ذهنی شهروندان از محلّه را شکل داده و به تثبیت ساختار معنایی آن کمک می‌کنند [۳]. در چارچوب رویکرد ریخت‌شناسی شهری، هرگونه دگرگونی نامتوازن در این عناصر می‌تواند به گسست در تداوم تاریخی فرم، اختلال در سازمان فضایی و در نهایت تضعیف هویت محلّه‌ای منجر شود. تحولات شتابان شهرنشینی معاصر، مداخلات کالبدی گسترده، اصلاحات مبتنی بر رویکردهای عملکردگرایانه و غلبه الگوهای توسعه غیرهمساز با زمینه تاریخی، بسیاری از محلات شهری به‌ویژه در بافت‌های تاریخی را با پدیده «گسیختگی ساختاری»^۴ و «فرسایش هویت فضایی»^۵ مواجه ساخته است [۴]. خیابان‌کشی‌های گسترده، تجمیع و تفکیک نامتجانس قطعات، تغییر مقیاس و تیپولوژی ساخت‌وساز و جایگزینی الگوهای بومی با فرم‌های نوین ناهمخوان، سبب برهم خوردن نظام همجواری‌ها، حذف نشانه‌های هویت‌بخش و تضعیف انسجام فضایی-اجتماعی شده است. پیامد این روند، کاهش کیفیت محیطی، افول سرمایه اجتماعی و شکل‌گیری نوعی بی‌مکانی در مقیاس محلّه است که ضرورت بازخوانی انتقادی ساختار کالبدی را برجسته می‌سازد [۵]. با وجود تأکید گسترده بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی هویت شهری، در بسیاری از مطالعات، تحلیل نظام‌مند پیوند میان شاخص‌های ریخت‌شناختی و کیفیت هویت محلّه‌ای کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ در حالی که ساختار کالبدی، بستر عینی و قابل‌سنجش شکل‌گیری ادراکات فضایی و تعاملات اجتماعی محسوب می‌شود. از این‌رو، واکاوی مؤلفه‌های کالبدی در چارچوب تحلیل‌های ریخت‌شناسانه و کارکردی-فضایی می‌تواند به تبیین سازوکارهای اثرگذاری فرم شهری بر بازتولید هویت محلّه‌ای بینجامد و زمینه تدوین راهبردهای مداخله‌ای مبتنی بر زمینه را فراهم آورد. بر این اساس، پژوهش حاضر با تأکید بر تحلیل ساختار فضایی و عناصر کالبدی، در پی آن است تا ضمن تبیین نسبت میان سازمان ریختی محلّه و شاخص‌های هویت‌بخشی، چارچوبی تحلیلی برای فهم تأثیر تحولات کالبدی بر انسجام فضایی-اجتماعی ارائه دهد. این رویکرد می‌تواند مبنایی نظری و کاربردی برای حفاظت، بازآفرینی و ارتقای کیفیت هویتی محلات شهری، به‌ویژه در بافت‌های تاریخی، فراهم سازد [۶].

بیان مسأله

شهر گرگان، با سابقه تاریخی دیرین، که در گذشته با نام استرآباد شناخته می‌شد، یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های بافت تاریخی شمال ایران را در خود جای داده است. بافت تاریخی این شهر نه تنها از منظر کالبدی بلکه از حیث فرهنگی، اجتماعی و هویتی دارای ارزش منحصربه‌فردی است و در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی به‌عنوان چهل‌ویکمین اثر ملی ایران در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. این بافت تاریخی، به عنوان یک نمونه شهری جامع، بازتاب‌دهنده تعامل پیچیده میان ساختار کالبدی، شبکه معابر، آرایش قطعات و ابنیه و همچنین کاربری‌های اجتماعی و اقتصادی محلّه‌هاست. در دوره قاجار، گرگان شامل شش محلّه اصلی سرپیر، درب نو، سرچشمه، میخچه‌گران، نعلبندان، سبزه‌مشهد و میدان و تعدادی محلّه فرعی مانند پاسرو، میرکریم،

¹ Legibility

² Distinctiveness

³ Spatial Cohesion

⁴ Structural Fragmentation

⁵ Erosion of Spatial Identity

دوشنبه‌ای، شیرکش، باغ شاه، دباغان و شاهزاده قاسم بود. این محلات نه تنها عملکرد کالبدی و فضایی داشتند، بلکه به‌عنوان واحدهای اجتماعی-فرهنگی عمل می‌کردند که افراد با ویژگی‌های قومی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی مشابه را در خود جای می‌دادند. انسجام اجتماعی و شباهت‌های فرهنگی و اقتصادی سبب ایجاد هویت محله‌ای منحصر به فرد شده و هر محله را به عنوان واحدی با کارکرد اجتماعی و فضایی مشخص، متمایز از سایر بخش‌های شهر می‌ساخت. تحلیل‌های تاریخی و شهری نشان می‌دهد که آسیب‌های اصلی وارده به بافت تاریخی گرگان، برخلاف تصور عمومی، نه ناشی از بلایای طبیعی مانند زلزله یا سیل، بلکه در اثر مداخلات انسانی و تغییرات کالبدی عمدتاً ناشی از اصلاحات خیابان‌کشی، بازتعریف مرزهای شهری و تغییر الگوهای ساخت‌وساز بوده است. این تغییرات منجر به از بین رفتن بخش قابل توجهی از عناصر هویت‌بخش محلات و کاهش انسجام فضایی-اجتماعی آن‌ها شده است. در نتیجه، محلات تاریخی که زمانی نمونه‌های بارز هویت محله‌ای و شبکه‌سازی اجتماعی بودند، اکنون با پدیده بی‌هویتی روبرو شده‌اند که کیفیت محیط شهری، هویت محله‌ای و انسجام اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. محله شیرکش، به‌عنوان یکی از محلات فرعی نعلبندان، نمونه‌ای شاخص از این روند است. با وجود پیشینه تاریخی قابل توجه، این محله تا کنون کمتر مورد مطالعه قرار گرفته و بسیاری از عناصر کالبدی و هویت‌بخش آن تخریب شده است. جایگزینی ساختمان‌های مدرن و آپارتمان‌ها به‌جای ساختارهای تاریخی، نابودی بخش عمده‌ای از بافت قدیمی محله و کاهش شاخص‌های هویت محله‌ای را به دنبال داشته است. تنها در برخی نقاط محدود می‌توان نشانه‌هایی از بافت اصیل و تاریخی را مشاهده کرد که به دلیل عدم مدیریت حفاظتی و غفلت در نگهداری، در مراحل فرسودگی و زوال قرار دارند. این وضعیت نه تنها نشان‌دهنده تهدید هویت کالبدی محله است، بلکه نمایانگر تأثیر عمیق تحولات اجتماعی، اقتصادی و رفتاری بر ساختار فضایی و کارکردهای محله‌ای است. تغییرات در الگوهای رفتاری، اجتماعی و اقتصادی موجب ایجاد فاصله میان جمعیت محله و کاهش تعاملات اجتماعی شده و به تدریج مرزهای معنایی و کالبدی محله را از بین برده است. علاوه بر این، تحلیل ریخت‌شناسی محله و بررسی آرایش معابر، قطعات زمین، الگوهای ابنیه و شبکه خدمات شهری نشان می‌دهد که پیوند تنگاتنگی میان ساختار کالبدی و هویت اجتماعی وجود داشته و هرگونه تغییر نامتوازن در این ساختار می‌تواند منجر به تخریب هویت محله‌ای شود. لذا بازشناسی و تحلیل ساختار کالبدی محله شیرکش و شناسایی عناصر هویت‌بخش آن ضروری است تا ضمن مستندسازی و حفاظت از ارزش‌های فضایی-فرهنگی، الگوی تحلیلی و حفاظتی قابل تعمیم برای سایر محلات تاریخی و حتی محلات نوظهور شهر گرگان ارائه شود. این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از ابزارهای ریخت‌شناسی شهری و تحلیل کارکردی-فضایی، درصد شناسایی مرزها، الگوها و عناصر هویت‌بخش محله است و تلاش می‌کند راهکارهایی برای حفظ انسجام کالبدی و هویت محله‌ای ارائه دهد. با توجه به اهمیت شناخت ساختار کالبدی و عناصر هویت‌بخش در فهم و حفظ هویت محله‌ای، پژوهش حاضر در پی پاسخ به سوالات زیر است که به تحلیل جایگاه فضایی، شاخص‌های کالبدی و تأثیر تحولات شهری بر هویت محله‌ای شیرکش می‌پردازد:

۱. تا چه میزان شاخص‌های کالبدی تأثیرگذار بر کیفیت زندگی، در هویت‌بخشی به محله شیرکش مؤثر هستند؟
۲. محله شیرکش در سازمان فضایی شهر گرگان از چه جایگاهی برخوردار بوده و در ارائه خدمات شهری چه نقشی را بر عهده دارد؟
۳. آیا گذر زمان و محله‌بندی‌های جدید در تغییر مرزها و هویت محله شیرکش تأثیرگذار بوده است؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کیفی و مبتنی بر مطالعه زمینه‌ای (Field Study) است و با رویکرد تحلیل ساختار کالبدی و عناصر هویت‌بخش محله‌ای طراحی شده است. داده‌های مورد نیاز پژوهش شامل نقشه‌های پایه، شبکه معابر، کاربری‌ها، مراکز مذهبی و زیارتی، مراکز خدماتی و تجاری، مرزهای محله با محله‌های مجاور و موقعیت مکانی اقوام و خاندان‌های محلی می‌باشد. به منظور گردآوری اطلاعات، از دو منبع اصلی استفاده شد: ۱. اسناد کتابخانه‌ای و تاریخی: شامل نقشه‌های تاریخی و معاصر، تاریخ‌نگاری‌های شهری، مستندات و مطالعات پیشین مرتبط با محله شیرکش و شهر گرگان. ۲. اطلاعات میدانی و شفاهی: مصاحبه با افراد بومی دارای سابقه سکونت طولانی در محله شیرکش و مشاهده مستقیم وضعیت فیزیکی و اجتماعی محله. پس از جمع‌آوری داده‌ها،

پژوهش با استفاده از روش‌های تحلیل کیفی یکپارچه به بررسی ساختار کالبدی، الگوهای فضایی، کاربری‌ها و مرزهای محله پرداخت و نقاط ضعف و آسیب‌های موجود در هویت محله‌ای را شناسایی نمود. هدف از این تحلیل، ارائه ارزیابی دقیق از مسائل و مشکلات موجود و پیشنهاد راهکارهای حفاظتی و توسعه‌ای بلندمدت است تا ضمن حفظ هویت محله، امکان ارتقای کیفیت زیستی و کارکرد شهری محله شیرکش فراهم شود. با توجه به رویکرد تحلیلی و کاربردی پژوهش، مطالعه حاضر در دسته پژوهش‌های کاربردی-تحلیلی قرار می‌گیرد و هدف آن ارزیابی وضعیت موجود، مستندسازی واقعیت‌های کالبدی و اجتماعی، و ارائه راهبردهایی برای تقویت هویت محله‌ای است. همچنین، از آنجا که این پژوهش وضعیت فعلی محله شیرکش را توصیف و تحلیل می‌کند، می‌توان آن را به عنوان یک مطالعه برآوردی و تطبیقی در مقیاس محله‌ای در نظر گرفت.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در تقسیم‌بندی‌های مدیریت شهری، مقیاس‌های شهر، منطقه، ناحیه و محله وجود دارند که از این میان، تنها دو مقیاس شهر و محله دارای واقعیت وجودی و خارجی هستند و سایر تقسیمات بیشتر جنبه اعتباری و مدیریتی دارند و برای تسهیل اداره شهر ایجاد شده‌اند. با این حال، محدوده‌های شهری و محله‌ای با گذر زمان می‌توانند معنا و هویت اجتماعی پیدا کنند و محصول کیفیت جریان زندگی در این مقیاس‌ها هستند، نه صرفاً نتیجه اراده مدیریتی. زندگی شهری از مقیاس محله آغاز می‌شود و در حیات مدنی، در مقیاس شهری تجلی پیدا می‌کند؛ بنابراین، شهر باید در مقیاس محله ادراک شود و فهم هویت آن نیز با مقیاس محله شکل می‌گیرد [۶]. محله، به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی-فضایی شهر، نقش محوری در تجربه زیستی شهروندان و بازنمایی هویت شهری دارد. این واحد اجتماعی-تاریخی از استمرار زیستی نسل‌ها در یک مکان شکل می‌گیرد و هویت آن محصول تعامل انسانی با محیط طبیعی و اجتماعی-فرهنگی است. اگرچه محله و مرزهای آن صلب و تغییرناپذیر نیستند، ماهیت اجتماعی و هویتی آن‌ها از تغییرات ریخت‌شناسی و تحولات کالبدی نیز متأثر نمی‌شود و حتی در ساختارهای جدید نیز قابل بازشناسی و حفظ است. شبکه‌های پیونددهنده محله‌ها شامل مفصل‌های کالبدی، پیوندهای خانوادگی و تباری و مکان‌های عملکردی مشترک، نقش مهمی در حفظ انسجام اجتماعی و هویت محله‌ای ایفا می‌کنند [۷]. هویت محله‌ای، شرط لازم برای تحقق هویت شهری است. تحقق جریان زندگی شهری و حیات مدنی در مقیاس محله‌ای، مقدمه‌ای برای درک فضایی شهر و تجربه کیفیت محیط زندگی است. شهر صرفاً نتیجه کالبد فیزیکی نیست، بلکه از طریق حیات مدنی و تعاملات اجتماعی در محله‌ها شکل می‌گیرد و انسجام محله‌ای پایه و اساس هویت شهر است. در شرایط جهانی شدن، بازشناسی هویت محله‌ای و شهری به یکی از چالش‌های اساسی تبدیل شده است. جوامعی که قادر به بازشناسی و بازنمایی فعالانه هویت طبیعی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی خود نباشند، در معرض تحمیل فرهنگ جهانی و از دست دادن جایگاه و هویت خویش قرار می‌گیرند [۸]. با توجه به تمدن کهن ایرانی و میراث تاریخی-فرهنگی غنی، بازشناسی هویت محله‌ای و شهری نه تنها به حفظ سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی کمک می‌کند، بلکه امکان نقش‌آفرینی مجدد ایرانیان در تمدن و فرهنگ جهانی را فراهم می‌آورد. هویت شهری و محله‌ای، حاصل تعامل میان ویژگی‌های محیط طبیعی، بافت اجتماعی-فرهنگی و تجربه مستمر شهروندان است و به عنوان عاملی تعیین‌کننده، شهر و محله را از دیگر نمونه‌ها متمایز می‌سازد [۹]. این مؤلفه‌ها، فرصت‌های منحصر به فردی برای تشخیص، حس مکان و بازشناسی ارزش‌های فضایی-کالبدی و اجتماعی ایجاد می‌کنند. با توجه به اهمیت هویت محله‌ای و نقش عناصر کالبدی در شکل‌دهی و بازشناسی آن، مطالعه محله شیرکش گرگان و تحلیل ساختار کالبدی و هویت‌بخش آن، ضرورت و اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌تواند به عنوان الگویی علمی برای حفاظت و بازسازی هویت محله‌ای سایر محلات تاریخی شهرها مورد استفاده قرار گیرد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل نقش عناصر کالبدی در شکل‌دهی و تقویت هویت محله‌ای در شهر گرگان است، به گونه‌ای که با بررسی ساختار فضایی و عناصر هویت‌بخش محله شیرکش، راهکارهایی برای حفاظت و ارتقای انسجام کالبدی و هویت محله‌ای ارائه شود. در این راستا، پژوهش سعی دارد شاخص‌ها و عناصر کالبدی مؤثر بر هویت محله‌ای را شناسایی و تحلیل کند

و میزان تأثیر آن‌ها بر کیفیت زندگی شهری را ارزیابی نماید. همچنین جایگاه محله شیرکش در سازمان فضایی شهر و نقش آن در ارائه خدمات شهری و ارتباط با سایر محلات مورد بررسی قرار می‌گیرد. مطالعه حاضر، تأثیر گذر زمان، تحولات تاریخی و محله‌بندی‌های جدید را بر مرزها و ساختار هویت محله تحلیل می‌کند و تلاش دارد مرزها، الگوها و نشانه‌های هویت‌بخش کالبدی محله را مستندسازی نماید. در نهایت، پژوهش با ارائه الگویی تحلیلی و راهکارهای حفاظتی و توسعه‌ای مبتنی بر حفظ هویت محله‌ای، می‌تواند ضمن تقویت انسجام فضایی-اجتماعی، به حفظ و ارتقای هویت محله‌ای در محله شیرکش و سایر محلات تاریخی و نوظهور شهر گرگان کمک کند.

چهارچوب مفهومی موضوع پژوهش

پیشینه پژوهش

تحلیل ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که هویت محله‌ای به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین سازمان فضایی و اجتماعی شهرها، در تعامل تنگاتنگ با ساختار کالبدی و عناصر معماری و شهری شکل می‌گیرد. اهمیت این موضوع در مطالعات داخلی و بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است، چرا که هویت محله‌ای نه تنها تجربه فضایی و روانی ساکنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه کیفیت محیط شهری و انسجام اجتماعی محله‌ها را نیز شکل می‌دهد. در سطح داخلی، پژوهش‌های متعددی به تحلیل رابطه میان ساختار کالبدی و هویت محله در بافت‌های شهری ایران پرداخته‌اند. پژوهشی که در فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای (۱۴۰۱) با عنوان «تأثیر عوامل کالبدی و غیرکالبدی بر هویت محله» منتشر شد، نشان داد که عوامل کالبدی شامل شبکه معابر، منظر شهری، دسترسی به خدمات و کیفیت فضای باز، در کنار عوامل غیرکالبدی مانند روابط همسایگی، تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های فرهنگی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری و تثبیت هویت محله‌ای دارند. نتایج این مطالعه بیانگر این است که فقدان هماهنگی میان این عوامل منجر به کاهش حس تعلق مکان و تضعیف پیوند اجتماعی در محله‌ها می‌شود. عبدالهادی دانشپور و الهام شیرینی (۱۳۹۴) در مقاله «عناصر کالبدی کارکردی شکل‌دهنده به هویت بافت‌های تاریخی شهر ایرانی اسلامی» به بررسی عناصر کالبدی مؤثر در هویت محله‌های تاریخی پرداختند. یافته‌های آنان نشان داد که عناصر ساختاری مانند توده‌بندی بناها، شبکه معابر، الگوی قطعات زمین و نشانه‌های فضایی، در تثبیت هویت محله‌ای نقش محوری دارند و حفاظت از آن‌ها برای پایداری هویت محله‌ای ضروری است. این مطالعه بر این نکته تأکید کرد که تغییرات نامتوازن در ساختار کالبدی می‌تواند منجر به بی‌هویتی و فرسایش هویت فضایی محله شود. مریم عطری و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله «تحلیلی راهبردی بر قابلیت‌ها و محدودیت‌های شکل‌گیری ساختار محله ایرانی در سازمان فضایی شهرهای امروز» با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل ریخت‌شناسی، نشان دادند که اصول و الگوهای محله ایرانی-اسلامی، از جمله توازن میان فضاهای عمومی و خصوصی، انسجام شبکه معابر و توزیع مناسب خدمات شهری، پتانسیل بازتولید در شهرهای معاصر را دارند و می‌توانند در طراحی محله‌های جدید با حفظ هویت بومی مورد استفاده قرار گیرند. پژوهش قاسمی و نگینی (۱۳۸۹) با عنوان «بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی با تأکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان» نیز نشان داد که شاخص‌های کالبدی مانند سازمان فضایی، کیفیت ابنیه و الگوی معماری محلات به‌طور مستقیم با احساس هویت‌مندی ساکنان و مشارکت اجتماعی آنان مرتبط هستند و ارزیابی دقیق این شاخص‌ها می‌تواند راهنمای برنامه‌ریزی شهری برای حفاظت از هویت محله‌ای باشد. علاوه بر این، مطالعات منتشرشده در فصلنامه هویت شهر با موضوعات «بازشناسی ویژگی‌های کالبدی-فضایی بافت قدیم شهرهای ایران» و «ارزیابی مقایسه‌ای حس تعلق شهروندان به هویت مکانی» نشان دادند که ویژگی‌های فضایی محله و کیفیت عناصر کالبدی، از جمله شبکه معابر، تراکم بناها و فضاهای عمومی، نقش حیاتی در تثبیت هویت محله‌ای ایفا می‌کنند. در سطح بین‌المللی، پژوهش‌های متعددی نیز بر نقش عناصر کالبدی و اجتماعی در شکل‌گیری هویت محله‌ای تأکید کرده‌اند. مانه‌اسا^۶ و همکاران (۲۰۲۵) در مقاله «هویت محله در برابر هویت شهر: دیدگاهی میان‌مقیاس از طریق لایه‌های شهری در یک ناحیه تاریخی تحت تحول» دریافته‌اند که کیفیت عناصر کالبدی مانند معابر، بناهای شاخص و فضاهای عمومی در تثبیت هویت محله‌ای نقش محوری دارند و لایه‌های تاریخی قدیمی بیشترین تأثیر را بر احساس تعلق ساکنان به محله دارند. یافته‌های این مطالعه همچنین نشان داد که تعاملات اجتماعی ساکنان با ساختار

^۶ Manahasa

کالبدی، عاملی مؤثر در افزایش حس تعلق و تقویت هویت محله‌ای است. برناردو و پالما‌الیویرا^۷ (۲۰۱۶) در مقاله «محلات شهری و روابط میان گروه‌ها: اهمیت هویت مکان» نشان دادند که هویت مکان با رضایت از محله و میزان تعاملات اجتماعی ساکنان رابطه مستقیم دارد و هویت فضایی فراتر از مولفه‌های فیزیکی، یک فرآیند اجتماعی-ادراکی پیچیده است که کیفیت تجربه محلی و انسجام اجتماعی را تعیین می‌کند. همچنین پژوهش‌های کلاسیک پروشانسکی^۸ و همکاران (۱۹۸۳) تأکید دارند که هویت مکان ترکیبی از ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی است و ادراک ساکنان نسبت به عناصر کالبدی به‌طور مستقیم بر تجربه هویتی آنان تأثیر می‌گذارد. جمع‌بندی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در مطالعات داخلی و خارجی، شبکه معابر، کیفیت فضاهای عمومی، توده‌بندی ابنیه، تعامل میان ساکنان و عناصر کالبدی و تاریخی، و هماهنگی میان مولفه‌های فیزیکی و اجتماعی، از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده هویت محله‌ای هستند. یافته‌ها بر ضرورت استفاده از روش‌های ریخت‌شناسی و تحلیل فضایی برای درک پیوند میان فرم شهری و تجربه هویتی تأکید دارند و اهمیت حفاظت از عناصر هویت‌بخش کالبدی به‌عنوان عامل کلیدی در تقویت هویت محله‌ای را برجسته می‌سازند. پژوهش حاضر با تمرکز بر محله شیرگوش گرگان، در راستای پر کردن خلأ مطالعاتی داخلی و ارائه الگویی تحلیلی برای شناسایی عناصر هویت‌بخش کالبدی استوار است.

تعاریف و مفاهیم پایه

لذا قبل از پرداختن به مباحث نظری و ادبیات موضوع، لازم است ابتدا به تعریف و مفهوم برخی از کلمات و عبارات کلیدی پژوهش پرداخته شود، از جمله؛

محله^۹

محله تعریف مورد توافق دقیقی ندارد. این کلمه هم بر حالت فیزیکی مکان و هم بر گروه افرادی که در آن مکان زندگی می‌کنند، اشاره دارد. رابرت کوان نیز در دائرةالمعارف شهر^{۱۰} خود محله را این گونه توصیف نموده است: منطقه یا موقعیت؛ منطقه‌ای در اطراف مکانی یا چیزی؛ بخش قابل تفکیکی از یک منطقه شهری منطقه‌ای مرکب از کاربری‌های مختلف که به صورت ساختار شهری به حالت [۱۰]. است درآمده یکپارچه شکویی محله را جایی می‌داند که از خانه‌های مجاور هم در یک مقیاس جغرافیایی تشکیل می‌شود و از تجمع، پیوستگی کم و زیاد، معاشرت نزدیک، روابط همسایگی محکم و اتحاد میان گروهی از مردم به وجود می‌آید که برای تشکیل آن، وجود این شرایط ضروری است: «دارا بودن یک حوزه جغرافیایی مشخص، پیدایش و تکوین یک اجتماع کوچک گروهی از مردم شهر و وابستگی اجتماعی میان گروهی از مردم». لنینچ محله را قسمت نسبتاً بزرگی از شهر می‌داند که واجد خصوصیات مشابه و یک دست باشد و ناظر بتواند به آن وارد شود. خصوصیتی که سیما و پیکر محله را مشخص می‌کند، عوامل خاص آن محله هستند که ممکن است اجزای بی‌شمار و متنوع داشته باشند. بافت محله، فضای آن، فرم و اجزای آن، نوع ساختمان‌ها و نوع استفاده از ساختمان‌ها، فعالیت‌ها، ساکنین و... عوامل خاص محله هستند [۱۱]. محله می‌تواند از ابعاد مختلف تعریف شود. برای مثال، محلات از نظر اداری با دیوار، راه و یا مرزهای تعیین شده و مشخص؛ از نظر اجتماعی، با ادراک ساکنین محلی؛ از نظر عملکردی با حوزه‌های خدمات محلی؛ از نظر زیست محیطی با خصوصیات ترافیکی، کیفیت و امنیت و بالاخره از نظر زیبایی با داشتن ویژگی‌های مشخص یا عمر و سن توسعه می‌شوند [۱۲]. محله می‌تواند به عنوان یک ناحیه یا حوزه سیاسی نیز تعریف شود و توأمان مؤلفه‌های فیزیکی (مکان محور) و اجتماعی (مردم محور) را در برمی‌گیرد. خصوصیات متمایز محلات مختلف کمک می‌کند تا به شهر به عنوان یک کل ساختار ببخشد. میزان همگنی و تفاوت‌های بارز محله از سایر قسمت‌های شهر، متغیر خواهد بود. خیلی از محلات به تدریج در محله دیگر ممزوج می‌شوند به صورتی که هیچ مرز مشخصی بین آنها قابل تعریف نیست: در زمین و همچنین در مورد ادراکات ساکنان [۱۳]. سازمان و استخوان بندی محله نیز می‌تواند یکی از محورهای کلیدی در تعریف محله باشد. وجود و تداوم محور اصلی محله همراه با گذرهای پیاده، شبکه‌ای از مراکز فرعی محله و وحدت شکلی آن را باید چارچوب و استخوان بندی اصلی محله دانست. با در نظر گرفتن تعاریف مختلف

⁷ Bernardo & Palma-Oliveira

⁸ Proshansky

⁹ Neighbourhood

¹⁰ Dictionary of Urbanism

محلّه از جمله تعاریف ایرانی و خارجی به طور کلی می توان گفت همان گونه که در مقیاس جهانی، شهرها برحسب اندازه، فرم، تراکم و سایر ویژگی های خود متفاوت هستند و قطعیت اندازه برای آنها ارائه نشده است؛ برای محلّه نیز شاخص هایی نظیر جمعیت، سطح و شکل، معرف آنها نیستند. در مقابل، عواملی نظیر هویت قابل تشخیص، ادراک ساکنین، نام و مرزهای کالبدی، معرف محلّه ها هستند [۱۴].

هویت^{۱۱}

واژه «هویت» در فرهنگ های لغت و متون فلسفی و اجتماعی، معانی متعددی دارد که درک دقیق آن برای تحلیل هویت محلّه ای و شهری اهمیت دارد. در فرهنگ فارسی معین، هویت سه معنای عام و یک معنای خاص فلسفی دارد: نخست، «ذات باری تعالی»؛ دوم، «هستی و وجود»؛ و سوم، در فلسفه، هویت به حقیقت جزئی اشاره دارد، یعنی زمانی که ماهیت یک پدیده با تشخص و اعتبار مشخص شود، «هویت» گفته می شود [۱۳]. همچنین، هویت می تواند به معنای «وجود خارجی» یا «تشخیص» باشد و گاه بالعرض به کار رود. در این مفاهیم، واژه های هم معنی به نام «تشخص» نیز ذکر شده است که معادل فارسی هویت در نظر گرفته می شود. از منظر تاریخی و زبان شناسی، نیکلسون معتقد است که واژه هویت ریشه عربی دارد و از مصدر جعلی «هو» مشتق شده است که ضمیر مفرد غایب را نشان می دهد. با این حال، برخی دیگر اعتقاد دارند که این واژه اصلاً عربی نبوده، اما مترجمان ناگزیر به استفاده از آن شده اند و آن را از حرف «رباط» عربی مشتق کرده اند که دلالت بر ارتباط موضوع با محمول دارد [۱۵]. در فرهنگ های معاصر انگلیسی، واژه «Identity» چهار معنای اصلی دارد:

همانندی و تشابه ویژگی ها یا خصیصه های اساسی در موارد مختلف، به معنای کیفیت، حالت و حقیقت یکی بودن اجزا تشکیل دهنده یک واقعیت عینی. ویژگی یا شخصیت متمایز کننده فرد، که بیانگر فردیت و تمایز از دیگران است. حالت همانندی و تشابه با چیزی بیان شده یا ادعا شده. معادله ای که برای همه مقادیر نمادها قابل اجرا است.

در مطالعات شهری و محلّه ای، هویت بیشتر در معنای دوم و سوم، یعنی ویژگی ها و خصیصه های متمایز کننده مکان یا محلّه و تشخص فضایی-اجتماعی آن، مورد توجه قرار می گیرد. به عبارتی، هویت محلّه ای نه تنها بر اساس شاخص های کالبدی و فیزیکی محلّه شکل می گیرد، بلکه از تجربه زیستی، انسجام اجتماعی، استمرار تاریخی و تعاملات انسانی با محیط و مکان نیز متأثر است [۱۶].

هویت شهری^{۱۲}

هویت شهری، مفهوم و ساختاری است که از مجموعه صفات و مشخصات یک شهر شکل می گیرد و باعث تشخص و تمایز آن از دیگر شهرها می شود. به عبارت دیگر، همان گونه که هویت فردی معرف ویژگی ها و خصایص متمایز کننده یک شخص است، هویت شهری نیز بازتاب دهنده تعاملات اجتماعی، فرهنگی و تاریخی شهروندان با محیط شهری و بافت کالبدی شهر است. هویت شهری از طریق ایجاد و تداعی خاطرات جمعی و عمومی در شهروندان، احساس تعلق و وابستگی را تقویت کرده و آن ها را به سوی فرآیند فعال «شهروند شدن» هدایت می کند؛ فرآیندی که فراتر از سکونت صرف در شهر بوده و شامل مشارکت، حس مسئولیت و تعلق اجتماعی می شود [۱۷]. هویت شهری نه تنها معلول فرهنگ و رفتار شهروندان است، بلکه بر فرآیند شهروندسازی تأثیرگذار است و معیارهایی برای مشارکت، قضاوت اجتماعی و تعاملات جمعی در محیط شهری فراهم می آورد. از این منظر، هویت شهری می تواند به عنوان معیار رشد و توسعه شهر نیز تلقی شود؛ به این معنا که در جریان توسعه و تغییرات شهری، صفات و ویژگی های هویتی شهر نیز متحول شده و سازماندهی جدیدی می یابند [۱۸]. بنابراین، هویت شهری باید به عنوان عامل راهبردی در توسعه پایدار، ارتقای کیفیت محیط و تقویت انسجام اجتماعی-فضایی مطرح شود، زیرا توانمندسازی هویت جمعی شهروندان و بازنمایی آن در بافت شهری، زمینه های مشارکت، امنیت و حس تعلق به شهر را فراهم می کند. همچنین، هویت شهری زمانی معنی دار و مؤثر خواهد بود که با هویت محلّه ای پیوند بخورد و تبلور عینی آن در کالبد و محتوا، اعم از معماری، شبکه معابر،

¹¹ Identity

¹² Urban Identity

فضاهای عمومی و کاربری‌ها، قابل مشاهده باشد. در این چارچوب، هویت محله‌ای و شهری مکمل یکدیگر بوده و شکل‌گیری و تقویت آن‌ها مستلزم درک درست و دقیق هنجارهای هویتی و فرهنگی شهر است [۱۹].

هویت کالبدی^{۱۳}

در فرهنگ نامه دهخدا، کالبد به معنای کالبد است که قالب هر چیز باشد. در طراحی شهری، واژه فرم مترادف کالبد تلقیمی شود. هویت کالبدی به مجموعه صفات و ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که جسم شهر را از شهرهای دیگر متمایز می‌کند و شباهت آن را با هویت خودی آشکار می‌سازد. این صفات باید به گونه‌ای باشند که جسم شهر در عین تداوم زمانی، دچار تحول و تکامل نیز شود و به پیدایش یک کل منجر گردد. هویت کالبدی شهری به ویژگی‌ها و عناصر فیزیکی و فضایی اشاره دارد که به شهر یا ناحیه خاص، شخصیت و تمایز می‌بخشد. این هویت شامل ساختارهای معماری، خیابان‌ها و فضاهای عمومی است و به تعامل انسان‌ها با این فضاها و تجربیات اجتماعی و فرهنگی وابسته است. در ادامه، به تعریف هویت کالبدی از دیدگاه برخی اندیشمندان پرداخته می‌شود [۲۰].

جدول شماره (۱): تعریف هویت کالبدی از دید برخی از اندیشمندان

تعریف هویت کالبدی از دید برخی از اندیشمندان			
نظریه پرداز	مفهوم و تعریف هویت (کالبدی)	عوامل زیربنایی هویت (کالبدی)	نتیجه‌گیری
راپاپورت ^{۱۴}	خصوصیتی که قابلیت تمیز و تشخیص عنصری را از عناصر دیگر فراهم می‌آورد و عناصر شهری را از یکدیگر متمایز می‌سازد.	خصوصیات تاریخی، اجتماعی و روانشناسی	هویت، مستلزم داشتن دو کیفیت «تفاوت برون گروهی» و «تشابه درون گروهی» خصوصیات به طور همزمان است.
کوبین لینچ ^{۱۵}	حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به عنوان مکان متمایز از سایر مکان‌ها شناسایی کند، به گونه‌ای که شخصیتی منحصر به فرد داشته باشد.	خصوصیات تاریخی، اجتماعی و روانشناسی	هویت منجر به حس تشخیص، خوانایی و عملکرد عاطفی و حس تعلق به محیط می‌شود.
کریستوفر الکساندر ^{۱۶}	هویت، تجسم کالبدی کیفیت‌های بی نام در بناهاست.	خصوصیات تاریخی، اجتماعی و روانشناسی	کیفیت‌هایی که مبنای اصلی حیات و روح هر انسان، شهر، بنا و یا طبیعت بکر هستند، تجسم کالبدی هویت‌اند.
والتر بور ^{۱۷}	هویت، همان تفاوت‌های کوچک و بزرگی است که باعث بازشناختن یک مکان و خوانایی محیط می‌شود.	وجود تنوع و جذابیت در فرم و عملکرد محیط	هویت منجر به خوانایی و حس تعلق به محیط می‌شود.
ادوارد رلف ^{۱۸}	هویت ارتباط متقابل «ترکیب ظاهری و کالبدی نمادها»، «عملکردها و فعالیت‌های قابل مشاهده» و مفاهیم نمادها در محیط است	فضای کالبدی، مفاهیم و فعالیت‌ها در محیط	در مکان‌های شهری واجد هویت، تعامل بین ویژگی‌های کالبدی، فعالیت‌ها و مفاهیم در محیط دیده می‌شود.

¹³ Physical Identity

¹⁴ Amos Rapoport

¹⁵ Kevin A. Lynch

¹⁶ Christopher Alexander

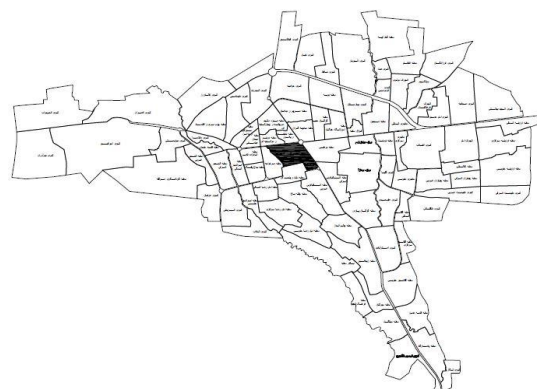
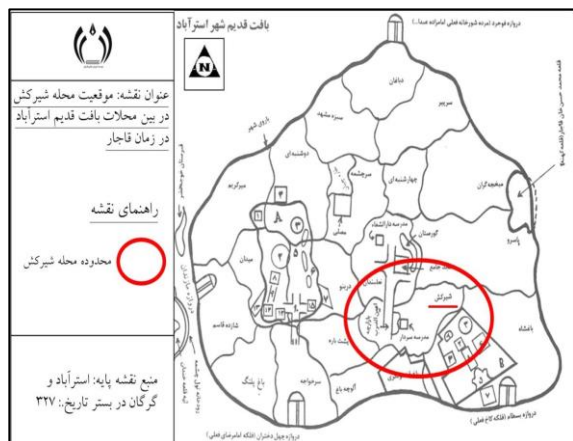
¹⁷ Walter Burr

¹⁸ Edward Wolf

<p>یک محیط شهری مطلوب باید هویت و شخصیتی مستقل از هویت فرد داشته باشد.</p>	<p>سبک‌های طراحی کالبدی، جزئیات، خصوصیات، برجستگی‌ها و شیوه‌هایی که بناها در قالب آنها شکل می‌گیرند.</p>	<p>هویت، توجه به شخصیت‌های فردی هر محیط و پرهیز از یکنواختی در محیط‌های شهری از طریق به جلوه درآوردن ویژگی‌های خاص هر محیط است.</p>	<p>گوردن کالن^{۱۹}</p>
<p>تنوع در فعالیت‌های فضاهای شهری، اختطاط و ترکیب کاربری‌ها و عمده کردن حیات انسانی و اجتماعی در هویت محیط اهمیت دارد.</p>	<p>جنبه‌های برنامه‌ریزی شهری</p>	<p>هویت در رابطه با فعالیت‌ها و زندگی خیابان‌های شهری از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری تعریف می‌شود.</p>	<p>جین جیکوبز^{۲۰}</p>

شناخت تاریخچه، علل پیدایش و نحوه گسترش و توسعه محله شیرکش در طول تاریخ

محله شیرکش یکی از محلات تاریخی شهر گرگان است که قدمت آن به حدود ۱۵۰ تا ۱۷۰ سال می‌رسد و به عنوان یکی از محلات فرعی نعلبندان، نقشی کلیدی در ساختار اجتماعی و فضایی شهر داشته است. این محله پیش از خیابان‌کشی‌های گسترده دوران پهلوی، در دوران قاجار، با محله نعلبندان از شمال، محله پشت‌باره از غرب، محله آلوچه‌باغ از جنوب و محله باغ شاه از شرق هم‌مرز بوده است. این محدوده‌ها نه تنها بیانگر پیوند طبیعی و کالبدی محله با سایر بخش‌های شهر است، بلکه نمایانگر انسجام فضایی و ارتباطات اجتماعی-تاریخی آن نیز می‌باشد، به گونه‌ای که ساختار محله و سلسله‌مراتب فضاهای داخلی، شکل‌گیری شبکه معابر و توزیع کاربری‌ها، با همین مرزها و تعاملات جمعی تنظیم شده بود. با آغاز دوران پهلوی و اجرای طرح خیابان‌کشی‌های چلیپایی و عمود بر هم، محله شیرکش دچار تحولات قابل توجهی در ساختار کالبدی خود شد. از جمله مهم‌ترین این تغییرات، ایجاد خیابان خمینی در ضلع شمالی بود که محله را از محله نعلبندان جدا کرد و مرز شمالی آن را به صورت مصنوعی تعریف نمود. این مداخله کالبدی، ضمن ایجاد فاصله فیزیکی بین محله‌ها، ساختار شبکه معابر داخلی، دسترسی به محله‌های همجوار و انسجام فضایی محله را تحت تأثیر قرار داد و به نوعی بازتعریف هویت کالبدی محله را به دنبال داشت.



شکل شماره (۱): موقعیت محله شیرکش تا قبل از دوره قاجار.

وجه تسمیه محله شیرکش نیز بیانگر ابعاد فرهنگی و اجتماعی هویت محله‌ای آن است. بر اساس روایت اهالی قدیمی، نام محله به حادثه‌ای بازمی‌گردد که در آن، یکی از ساکنان محله شیرکش در باغ محله چاله‌باغ، شیری را با تفنگ شکار کرده و به محله خود منتقل نموده است؛ از آن زمان، محله به نام «شیرکش» شناخته شد. این روایت، علاوه بر بار فرهنگی و معنایی، بیانگر تداوم حافظه جمعی و تجربه زیستی ساکنان است که نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت محله‌ای و انسجام اجتماعی آن ایفا

¹⁹ Gordon Cullen

²⁰ Jane Jacobs

می‌کند. از منظر هویت کالبدی و فضایی، محله شیرکش نمونه‌ای از محلات تاریخی است که شبکه معابر، الگوی قطعات زمین، ابنیه و فضاهای عمومی آن با الگوهای سنتی و تجربیات زیستی ساکنان همخوانی دارد. نظم فضایی فضاهای پر و خالی، خوانایی مسیرها و کیفیت‌های بصری محله، همگی از شاخص‌های هویت محله‌ای هستند که علاوه بر تداوم بصری و کالبدی، حافظه جمعی ساکنان را نیز بازتاب می‌دهند. با توجه به اهمیت تاریخی، فرهنگی و کالبدی محله شیرکش، مطالعه و تحلیل این محله می‌تواند الگوی تحلیلی-ریخت‌شناسی مناسبی برای شناسایی عناصر هویت‌بخش سایر محلات تاریخی و حتی محلات نوظهور شهر گرگان ارائه دهد. بررسی جزئیات ساختاری و اجتماعی محله، نه تنها امکان شناسایی نقاط آسیب‌پذیر هویت محله‌ای را فراهم می‌آورد، بلکه می‌تواند زمینه را برای ارائه راهکارهای حفاظتی و توسعه‌ای مبتنی بر حفظ هویت محله‌ای و ارتقای کیفیت زیست محیطی محله فراهم سازد.

شرح یافته‌های پایه: بازشناسی اصول و معیارها

ریخت‌شناسی محله شیرکش (مکتب کانزن)

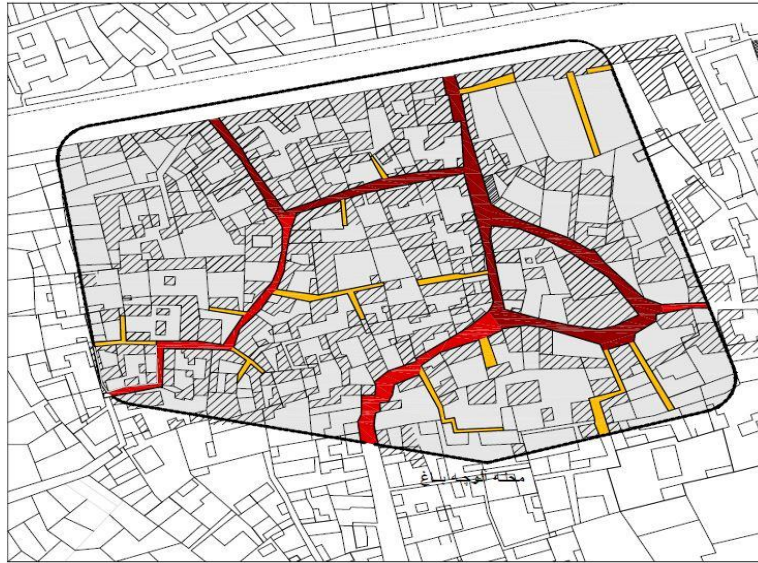
به منظور تحلیل هویت کالبدی محله شیرکش، پژوهش حاضر از رویکرد ریخت‌شناسی مکتب کانزن بهره برده است. این مکتب، که به بررسی الگوهای فضایی، معابر و عناصر کالبدی با تمرکز بر انسجام و خوانایی محیط شهری می‌پردازد، امکان شناسایی ویژگی‌های هویتی محله‌های تاریخی را فراهم می‌آورد. بر اساس نظریه کانزن، الگوی معابر به عنوان ساختار اصلی شبکه فضایی و عامل شکل‌دهنده به روابط مکانی، نخستین لایه تحلیلی محسوب می‌شود و پس از آن الگوی قطعات زمین و ابنیه مورد بررسی قرار می‌گیرد تا ساختار کالبدی محله به‌طور کامل تحلیل شود. در اجرای این رویکرد، ابتدا نقشه‌های پایه محله، شبکه معابر، محورها و تقاطع‌ها شناسایی شد و با استفاده از اصول کانزن تحلیل گردید. سپس الگوی قطعات و ابنیه محله بر اساس اندازه، مقیاس، تراکم و چیدمان در سطح محله بررسی شد. این تحلیل، امکان شناسایی عناصر هویت‌بخش و شاخص‌های کالبدی محله را فراهم کرد و نشان داد که محله شیرکش دارای انسجام فضایی، خوانایی بالا و الگوهای تثبیت‌شده تاریخی است که به عنوان مولفه‌های کلیدی هویت محله‌ای عمل می‌کنند و نتایج زیر را به دنبال داشته است.

الگوی معابر

معابر محله شیرکش از نظر درجه اهمیت و عملکرد فضایی به سه گروه اصلی تقسیم می‌شوند که هر گروه نقش مشخصی در ساختار کالبدی و هویت محله ایفا می‌کند.

معابر اصلی: این معابر از ورودی اصلی محله آغاز شده و با عبور از کاربری‌های کلیدی مانند مسجد، مدرسه، بازار و فضاهای عمومی و تفریحی، به خروجی اصلی محله متصل می‌شوند. این معابر به عنوان ستون فقرات شبکه محله، خوانایی فضایی، دسترسی عمومی و انسجام حرکتی محله را تضمین می‌کنند و نقش محوری در شکل‌دهی به هویت کالبدی و اجتماعی محله دارند. معابر فرعی بن باز: این معابر، نقش پیونددهنده بین معابر اصلی و فضاهای مسکونی یا کاربری‌های با اهمیت کمتر را ایفا می‌کنند و در عین حال می‌توانند به عنوان خروجی‌های فرعی محله نیز عمل کنند. وجود این معابر باعث تسهیل حرکت محلی، توزیع جریان رفت‌وآمد و ایجاد سلسله‌مراتب فضایی در داخل محله شده و انعطاف‌پذیری شبکه معابر را افزایش می‌دهد.

معابر فرعی بن بست: این معابر از شاخه‌های معابر اصلی و فرعی بن‌باز منشعب شده و دسترسی مستقیم اهالی محله به محل سکونتشان را فراهم می‌کنند. این دسته از معابر با ایجاد فضاهای خلوت و محدود، حریم خصوصی و انسجام محله‌ای را تقویت می‌کنند و کیفیت سکونت و تجربه زیستی ساکنان را بهبود می‌بخشند.



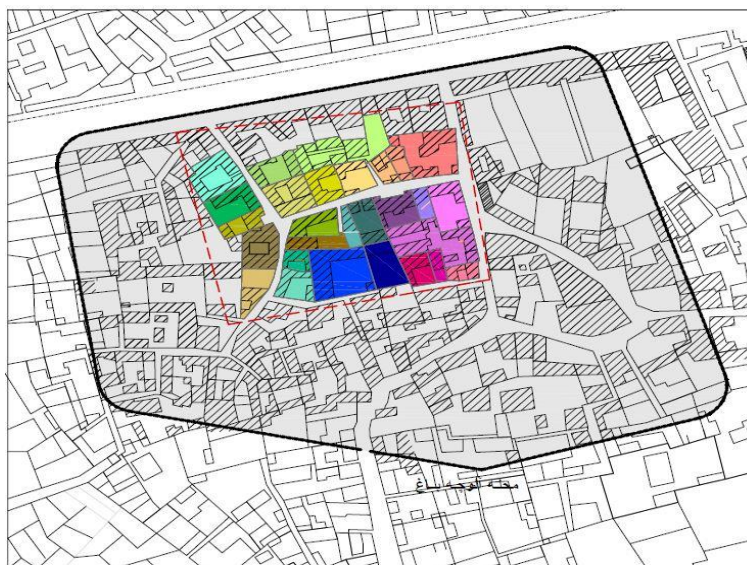
شکل شماره (۲): الگوی معابر

در مجموع، الگوی سلسله‌مراتبی معابر محله شیرکش، نمونه‌ای از شبکه فضایی متوازن است که خوانایی، انسجام و کیفیت بصری محله را حفظ کرده و ضمن ایجاد دسترسی مناسب به کاربری‌های مختلف، نقش کلیدی در تثبیت هویت کالبدی و هویت محله‌ای ایفا می‌کند.

الگوی قطعات و ابنیه

برای تحلیل دقیق هویت کالبدی محله شیرکش، بخشی از محله (معروف به شیرکش دوم) به دلیل حفظ بناهای قدیمی و تداوم بافت تاریخی به‌عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفت. هدف از این نمونه‌برداری، استخراج الگوی قطعات و ابنیه قابل تعمیم به کل محله و شناسایی شاخص‌های کالبدی هویت‌بخش بود. در این پژوهش، هر قطعه از نظر فرم، تناسب، راستا، مساحت، توده‌گذاری، سبک معماری و الگوی فضایی تحلیل شد. برای این منظور معیارهای زیر در نظر گرفته شد:

فرم قطعات: قطعات به دو گروه اصلی تقسیم شدند: منتظم: شامل مربع و مستطیل غیرمنتظم: شامل تمام چندضلعی‌ها به جز مربع و مستطیل



شکل شماره (۳): الگوی قطعات و ابنیه


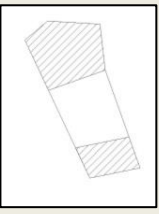
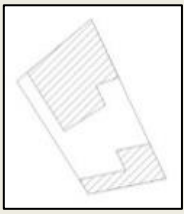

تناسبات: نسبت طول به عرض هر قطعه محاسبه شد تا تناسب هندسی و انسجام فضایی قطعات مشخص گردد. راستا: جهت‌گیری قطعات در جهت‌های شمالی-جنوبی و شرقی-غربی بررسی شد تا الگوی کلی جهت‌گیری فضایی محله شناسایی شود.

مساحت: اندازه دقیق هر قطعه به‌طور دقیق ثبت و تحلیل شد تا تراکم و مقیاس فضایی محله مشخص گردد. توده‌گذاری: نحوه اتصال بناها به بدنه حیاط و جانمایی ابنیه در هر قطعه بررسی شد تا الگوی توزیع فضاهای باز و بسته و رابطه بین بنا و فضاهای داخلی قطعات مشخص شود.

سبک معماری: قطعات براساس ویژگی‌های معماری به سه گروه تقسیم شدند: تالر، حیاط مرکزی و آپارتمان‌های نوساز الگو: با توجه به وجوه مشترک بین قطعات، الگوهای غالب محله مشخص گردید و در صورت نبود ویژگی مشترک، الگوی مستقل هر قطعه رسم و تحلیل شد.

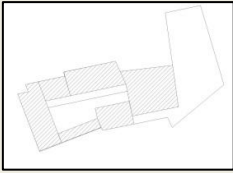
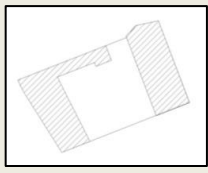
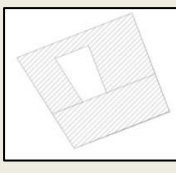
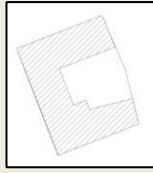
تحلیل این شاخص‌ها، شکل‌دهی هویت کالبدی محله شیرکش را امکان‌پذیر ساخته و نشان داد که با وجود تغییرات و مداخلات جدید، انسجام فضایی و خوانایی شبکه قطعات و ابنیه تا حد زیادی حفظ شده است. همچنین، این تحلیل شاخص‌های ریخت‌شناسی قابل اتکا برای شناسایی عناصر هویت‌بخش محله ارائه می‌دهد و می‌تواند به عنوان الگوی تحلیلی برای سایر محلات تاریخی گرگان به کار رود.

جدول شماره (۲): الگوی قطعات و ابنیه محله شیرکش.

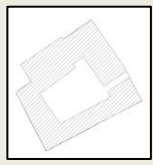
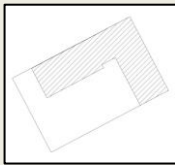
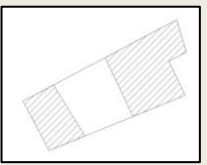
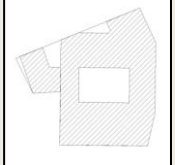
ردیف	۱	۲	۳	۴
فرم	نامنتظم	منتظم	نامنتظم	نامنتظم
تناسبات	۱ به ۱	۱ به ۳	۱ به ۲	۱ به ۱
راستا	شمالی-جنوبی	شمالی-جنوبی	شمالی-جنوبی	شمالی-جنوبی
مساحت	۷۵۰ مترمربع	۱۷۰ مترمربع	۱۷۵ مترمربع	۳۰۵ مترمربع
توده‌گذاری	از دو طرف چسبیده به بدنه	از دو طرف چسبیده به بدنه	از دو طرف چسبیده به بدنه	از دو طرف چسبیده به بدنه
سبک معماری	تالر	تالر	تالر	تالر
الگو				

جدول شماره (۳): ادامه الگوی قطعات و ابنیه محله شیرکش.

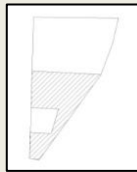
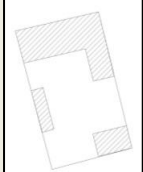
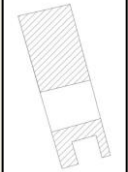
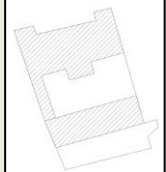
ردیف	۵	۶	۷	۸
فرم	منتظم	منتظم	منتظم	نامنتظم
تناسبات	۱ به ۱.۵	۱ به ۱	۱ به ۲	۱ به ۳
راستا	شمالی-جنوبی	شمالی-جنوبی	شرقی-غربی	شرقی-غربی
مساحت	۳۳۰ مترمربع	۴۴۵ مترمربع	۳۷۰ مترمربع	۶۷۰ مترمربع
توده‌گذاری	از ۳ طرف چسبیده به بدنه	از ۴ طرف چسبیده به بدنه	از ۳ طرف چسبیده به بدنه	از ۴ طرف چسبیده به بدنه
سبک معماری	حیاط مرکزی	حیاط مرکزی	تالر	حیاط مرکزی

				الگو
---	---	---	---	------

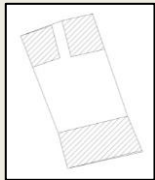
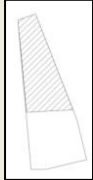
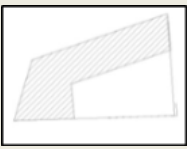
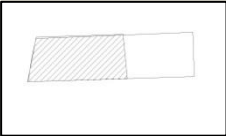
جدول شماره (۴): ادامه الگوی قطعات و ابنیه محله شیرکش.

ردیف	۹	۱۰	۱۱	۱۲
فرم	نامنتظم	منتظم	نامنتظم	نامنتظم
تناسبات	۱ به ۱	۱ به ۲	۱ به ۲.۵	۱ به ۱.۵
راستا	شرقی- غربی	شرقی- غربی	شرقی- غربی	شمالی- جنوبی
مساحت	۵۴۰ مترمربع	۴۲۵ مترمربع	۲۲۵ مترمربع	۵۲۰ مترمربع
توده گذاری	از ۴ طرف چسبیده به بدنه	به صورت I شکل چسبیده به بدنه	از ۲ طرف چسبیده به بدنه	از ۴ طرف چسبیده به بدنه
سبک معماری	حیاط مرکزی	آپارتمان نوساز	تلار	حیاط مرکزی
الگو				

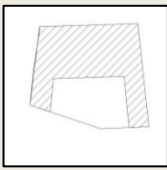
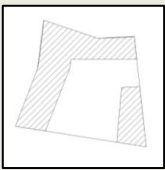


جدول شماره (۵): ادامه الگوی قطعات و ابنیه محله شیرکش.

ردیف	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
فرم	نامنتظم	منتظم	منتظم	منتظم
تناسبات	۱ به ۲	۱ به ۲	۱ به ۳	۱ به ۱.۵
راستا	شمالی- جنوبی	شمالی- جنوبی	شمالی- جنوبی	شمالی- جنوبی
مساحت	۳۳۵ مترمربع	۴۷۰ مترمربع	۱۵۰ مترمربع	۵۸۰ مترمربع
توده گذاری	از یک طرف چسبیده به بدنه	از ۳ طرف چسبیده به بدنه	از ۲ طرف چسبیده به بدنه	از ۳ طرف چسبیده به بدنه
سبک معماری	تلار	تلار	آپارتمان نوساز	حیاط مرکزی
الگو				

جدول شماره (۶): ادامه الگوی قطعات و ابنیه محله شیرکش.

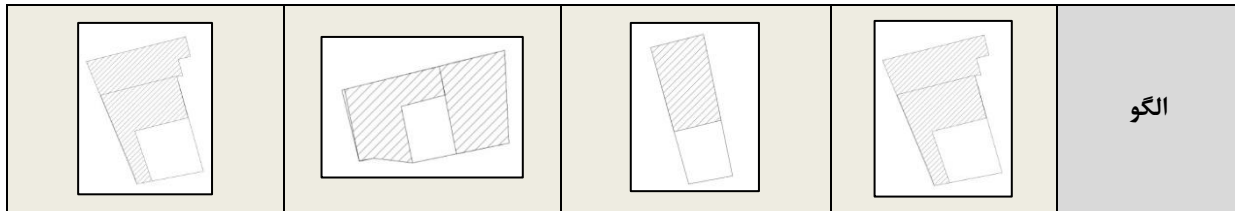
ردیف	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
فرم	منتظم	نامنتظم	نامنتظم	منتظم
تناسبات	۱ به ۲	۱ به ۳	۱ به ۲	۱ به ۴
راستا	شمالی-جنوبی	شمالی-جنوبی	شرقی-غربی	شرقی-غربی
مساحت	۳۵۵ مترمربع	۴۷۰ مترمربع	۱۵۰ مترمربع	۲۳۰ مترمربع
توده گذاری	از ۲ طرف چسبیده به بدنه	از یک طرف چسبیده به بدنه	به صورت L شکل چسبیده به بدنه	از ۳ طرف چسبیده به بدنه
سبک معماری	آپارتمان نوساز	آپارتمان نوساز	آپارتمان نوساز	آپارتمان نوساز
الگو				

جدول شماره (۷): ادامه الگوی قطعات و ابنیه محله شیرکش.

ردیف	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
فرم	نامنتظم	نامنتظم	نامنتظم	نامنتظم
تناسبات	۱ به ۱	۱ به ۱	۱ به ۲	۱ به ۲
راستا	شمالی-جنوبی	شمالی-جنوبی	شمالی-جنوبی	شمالی-جنوبی
مساحت	۱۶۵ مترمربع	۳۰۵ مترمربع	۸۶۵ مترمربع	۴۲۵ مترمربع
توده گذاری	از ۳ طرف چسبیده به بدنه	اشکل و از سه طرف چسبیده به بدنه	اشکل و ازدو طرف چسبیده به بدنه	از یک طرف چسبیده به بدنه
سبک معماری	حیاط مرکزی	تلار	تلار	تلار
الگو				

جدول شماره (۸): ادامه الگوی قطعات و ابنیه محله شیرکش.

ردیف	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
فرم	نامنتظم	منتظم	نامنتظم	نامنتظم
تناسبات	۱ به ۲.۵	۱ به ۳	۱ به ۲	۱ به ۱
راستا	شمالی-جنوبی	شمالی-جنوبی	شرقی-غربی	شمالی-جنوبی
مساحت	۴۰۰ مترمربع	۱۳۰ مترمربع	۱۵۰ مترمربع	۴۶۰ مترمربع
توده گذاری	اشکل و ازدو طرف چسبیده به بدنه	از یک طرف چسبیده به بدنه	از ۳ طرف چسبیده به بدنه	از ۲ طرف چسبیده به بدنه
سبک معماری	تلار	آپارتمان نوساز	آپارتمان نوساز	تلار



بعد از بررسی‌های قطعات محله شیرکش مشخص گردید که با توجه به کم بودن ویژگی‌های مشترک قطعات با یکدیگر نمی‌توان الگوی مشخصی را به تعداد قابل ملاحظه‌ای از قطعات و ابنیه اختصاص داد. در نتیجه در محدوده منتخب هر قطعه الگوی مختص خود را دارد.

دانه بندی قطعات محله شیرکش

برخی قطعات محدوده منتخب در محله شیرکش از نظر ویژگی مساحت مشترک بوده و در گروه‌های مختلفی قرار گرفتند. بر اساس این گروه‌بندی الگوی دانه‌بندی قطعات محدوده انتخابی در محله شیرکش به شرح زیر می‌باشد و این الگو به قطعات کل محله قابل تعمیم است:

- ریزدانه (مساحت کمتر از ۲۰۰ مترمربع)،
- متوسط‌دانه (مساحت ۲۰۱-۴۰۰ مترمربع)،
- درشت‌دانه (۴۰۱-۶۰۰ مترمربع)
- بسیار درشت دانه (مساحت بیشتر از ۶۰۰ مترمربع) طبقه‌بندی گردیدند.



شکل شماره (۴): دانه بندی قطعات محله شیرکش

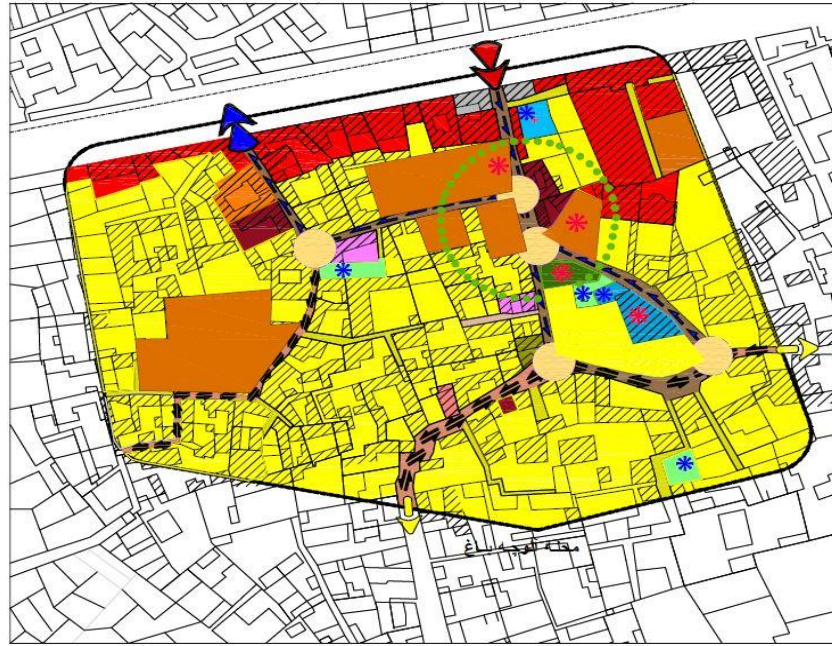
تحلیل کاربری‌های محله شیرکش

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در تاریخ ۱۳۸۹/۳/۱۰ تعاریف و مفاهیم کاربری‌های شهری و سرانه‌های آن‌ها را مصوب نمود. عملکردهای مجاز کاربری‌های محلی با توجه به مصوبه مذکور با کاربری‌های موجود محله شیرکش به شرح زیر می‌باشد.

جدول شماره (۹): مقایسه کاربری‌های محله شیرکش در مقایسه با عملکردهای مجاز کاربری‌های محلی.

ردیف	نوع کاربری	تعریف	وضع موجود محله شیرکش
۱	مسکونی	سکونتگاه‌های تک‌واحدی، مجتمع‌های چندخانواری و آپارتمانی چندواحدی و خوابگاه‌های دانشجویی خارج از محوطه دانشگاه	سکونت‌گاه‌های تک‌واحدی، مجتمع‌های چندخانواری و آپارتمانی
۲	آموزشی	آموزش‌های پیش‌دبستانی (مهدکودک، آمادگی- دبستان)	-----
۳	تجاری	واحد‌های خرید روزانه (خواروبار، میوه و سبزی، نانوايي، قصابی امثالهم)	واحد‌های خرید روزانه (سوپرمارکت، قصابی، نانوايي، بوتیک، فروشگاه مرغ و ماهی و امثالهم)
۴	خدمات انتفاعی	دفاتر (پست، امور مشترکین همراه‌اول، فروش روزنامه و مجله)، آرایشگاه‌های زنانه و مطب پزشکان	دفتر بیمه، دفتر روزنامه، آرایشگاه‌های زنانه
۵	ورزشی	زمین‌های بازی کوچک	باشگاه ورزشی
۶	درمانی	مراکز بهداشت و تنظیم خانواده، درمانگاه‌ها	درمانگاه
۷	پارک	بوستان (پارک) محله‌ای	-----
۸	مذهبی	مساجد، حسینیه‌ها، فاطمیه‌ها	مساجد، زینبیه، هیئت‌ها
۹	تجهیزات شهری	ایستگاه‌های جمع‌آوری زباله	-----
۱۰	تأسیسات شهری	ایستگاه‌های تنظیم فشار گاز، آب و فاضلاب، سرویس‌های بهداشتی عمومی	-----
۱۱	حمل‌ونقل، انبارداری	معاير و پارکینگ‌های محله‌ای و ایستگاه‌های مترو	معاير و پارکینگ‌های محله‌ای
۱۲	باغات و کشاورزی	زمین‌های کشاورزی و باغات واحدهای مسکونی	باغات واحدهای مسکونی

تحلیل الگوی سکونت و کاربری‌های محله شیرکش نشان می‌دهد که ساختار مسکونی تاریخی محله در گذشته عمدتاً شامل ویلاهای تک‌خانواری و ویلایی چندخانواری بوده است. این الگو بازتاب‌دهنده سبک زندگی جمعی، تراکم پایین و پیوندهای اجتماعی قوی ساکنان اولیه محله است. با گذر زمان و افزایش مهاجرت‌ها و جمعیت محله، اکثر ویلاها تخریب شده و جای خود را به آپارتمان‌های چندخانواری داده‌اند. وضعیت موجود نشان‌دهنده غلبه آپارتمان‌های چندخانواری بر ویلاهای تک‌خانواری است که این تحول، علاوه بر تغییرات کالبدی، اثر قابل توجهی بر هویت محله‌ای و تجربه زیستی ساکنان داشته است.



شکل شماره (۵): تحلیل کاربری های محله شیرکش

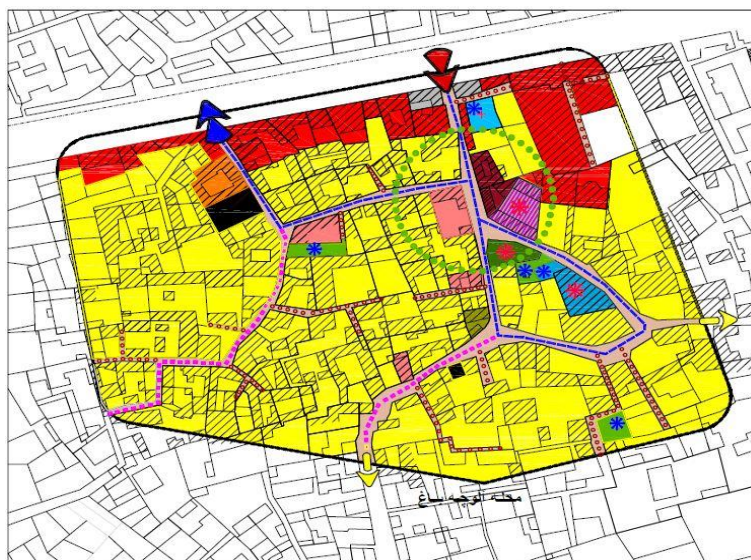
واحدهای تجاری محله شیرکش از نظر مقیاس خدمات رسانی به دو گروه تقسیم می شوند: تجاری درون محله‌ای: شامل نانوائی، قصابی، سوپرمارکت، عطاری، بوتیک، آرایشگاه زنانه و مردانه و خیاطی است که عمدتاً خدمات روزمره ساکنان محله را تأمین می کنند. تجاری برون محله‌ای: شامل واحدهای تجاری مستقر در ورودی محله مانند پرده‌سراها، ساعت‌فروشی، رستوران و مهرسازی است که علاوه بر ساکنان محله، نیازهای شهروندان محله‌های مجاور را نیز پوشش می دهند. با توجه به موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های ارتباط‌دهنده محله با محلات همجوار، تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین این دو گروه مشاهده نمی شود؛ زیرا شبکه معابر و تعاملات اجتماعی-اقتصادی محله، باعث شده است که کاربری‌های تجاری هم درون و هم برون محله‌ای به نوعی همپوشانی عملکردی داشته باشند. از نظر قدمت، واحدهای تجاری ورودی محله، تاریخی بوده و درجه اهمیت بالاتری دارند، در حالی که واحدهای تجاری نوظهور در کنار آپارتمان‌ها، قدمت کمتری دارند و به عنوان مکمل‌های خدماتی جدید عمل می کنند. کاربری‌های خدماتی و اجتماعی دیگر محله نیز وضعیت مشابهی دارند: باشگاه ورزشی: با قدمت زیاد و مقیاس فرامحله‌ای، نقش تأمین خدمات ورزشی برای ساکنان محله‌های اطراف را نیز ایفا می کند.

درمانگاه: به دلیل موقعیت در نزدیکی ورودی محله و دسترسی به معابر اصلی، دارای مقیاس فرامحله‌ای بوده و قدمت آن نشان‌دهنده جایگاه تثبیت‌شده در ساختار خدماتی محله است.

کاربری‌های مذهبی محله شیرکش نیز براساس قدمت به دو گروه تقسیم می شوند: مساجد: از زمان شکل‌گیری محله دایر بوده و بازتاب‌دهنده پیوند تاریخی و فرهنگی محله است. زینبیه و هیئت‌ها: با گذر زمان توسط مردم ایجاد شده و نقش مکمل فرهنگی و اجتماعی محله را ایفا می کنند. نزدیکی محله شیرکش به یکی از شریان‌های تجاری اصلی شهر موجب شده که فضاهای خالی و معابر فرعی، علاوه بر عملکرد عبوری، به پارکینگ حاشیه‌ای برای عموم تبدیل شوند و این مسئله تأثیر مستقیم بر تجربه فضایی و خوانایی شبکه معابر محله دارد. به طور کلی، قدمت و مقیاس خدمات‌رسانی کاربری‌ها از جمله عوامل کلیدی در گروه‌بندی و تحلیل کاربری‌های محله محسوب می شوند و این تحلیل می تواند در تبیین هویت محله‌ای و پیشنهاد راهکارهای ارتقای کیفیت فضایی و خدماتی محله نقش موثری داشته باشد.

استخوان بندی محله شیرکش

استخوان بندی محله شیرکش را می توان به عنوان سازه اصلی و چارچوب فضایی-کالبدی محله تعریف کرد که ضمن سازمان دهی فعالیت ها و دسترسی ها، هویت محله ای و خوانایی فضایی را شکل می دهد. این استخوان بندی شامل مجموعه ای از عناصر و لایه های عملکردی است که تعامل و ارتباط میان آن ها، انسجام فضایی و هویت کالبدی محله را تضمین می کند. عناصر اصلی استخوان بندی محله شامل موارد زیر است: معابر اصلی و فرعی: شبکه سلسله مراتبی حرکت در محله که معابر اصلی دسترسی به کاربری های کلیدی و معابر فرعی دسترسی به فضاهای مسکونی و خدمات محلی را فراهم می کنند. پهنه های مسکونی: بخش عمده محله که شامل ویلاهای تاریخی و آپارتمان های چندخانوار است و بازتاب دهنده تداوم سکونت و الگوی زندگی جمعی ساکنان محله می باشد.



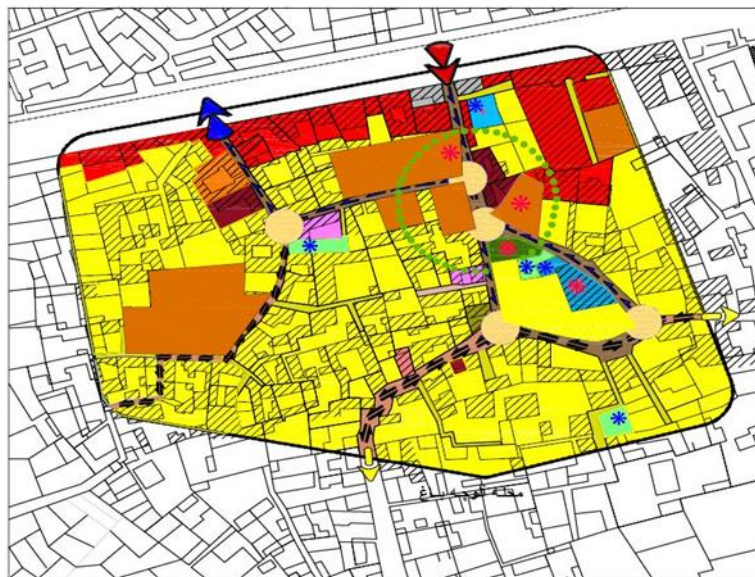
شکل شماره (۵): استخوان بندی محله شیرکش

پهنه های تجاری، مذهبی، ورزشی، درمانی و فرهنگی-اداری: این پهنه ها با توجه به مقیاس خدمات رسانی و قدمت، نقش مهمی در تثبیت هویت محله ای و عملکرد اجتماعی-فضایی محله دارند. مرکز محله: هسته مرکزی محله که معمولاً شامل فضاهای تجمع عمومی، بازار محلی، مکان های مذهبی و آموزشی است و به عنوان مرکز هویت اجتماعی و کالبدی محله عمل می کند. نشانه های تاریخی: بناها و مکان هایی که ارزش تاریخی و هویت فرهنگی محله را نمایندگی می کنند، از جمله مسجد ابوذر، مدرسه دقیقی و باشگاه سیدین. این نشانه ها علاوه بر کارکردهای گذشته، به خوانایی فضایی و شکل دهی به حافظه جمعی محله نیز کمک می کنند. نشانه های عملکردی: مجموعه فضاها و بناهایی که با گذر زمان ایجاد شده و کارکردهای اجتماعی، مذهبی، ورزشی و درمانی محله را تأمین می کنند، از جمله مسجد النبی، باشگاه بدنسازی، حسینیه، زینبیه و درمانگاه. این عناصر به تثبیت کارکرد محله و ارتقای کیفیت زندگی شهری کمک می کنند و پیوندهای اجتماعی و اقتصادی محله را تقویت می نمایند. این استخوان بندی نشان دهنده سلسله مراتب فضایی و کارکردی محله شیرکش است و تحلیل آن، امکان شناسایی نقاط قوت و آسیب های هویت کالبدی محله را فراهم می آورد. همچنین، شناخت و حفظ این استخوان بندی، اساس طراحی راهکارهای باززنده سازی، حفاظت از بافت تاریخی و تقویت هویت محله ای را تشکیل می دهد و می تواند به عنوان الگوی تحلیلی برای سایر محلات تاریخی شهر گرگان مورد استفاده قرار گیرد.

تحلیل یکپارچه محله شیرکش

محله شیرکش به عنوان یکی از محلات تاریخی شهر گرگان، از سه سمت با محلات مجاور-شامل محله باغشاه، محله پشت باره و محله آلوچه باغ-و از سمت شمال با خیابان امام خمینی محصور شده است. این محدوده کالبدی، چارچوب فضایی

محلّه را شکل داده و همزمان ارتباط آن با شبکه شهری و محلات همجوار را تعیین می‌کند. محلّه دارای یک ورودی اصلی و یک خروجی اصلی است که هر دو به خیابان امام خمینی متصل می‌شوند و علاوه بر دسترسی به محلّه، نقش ارتباط‌دهنده با شریان‌های اصلی شهر را نیز ایفا می‌کنند. علاوه بر این، دو خروجی فرعی نیز به محلّه‌های آلوچه‌باغ و باغشاه متصل شده و انعطاف‌پذیری شبکه تردد محلی را افزایش می‌دهند. معبر اصلی محلّه در برخی بخش‌ها یکطرفه و در برخی بخش‌ها دوطرفه است؛ محل اتصال این دو نوع مسیر، به‌عنوان گره‌های ترافیکی عمل کرده و ضمن ایجاد پیچیدگی حرکتی، بر خوانایی و انسجام فضایی محلّه اثرگذار است. کاربری‌های محلّه بر اساس مقیاس خدمات‌رسانی در دو گروه درون‌محلّه‌ای و فرامحلّه‌ای طبقه‌بندی شده‌اند. این گروه‌بندی به تحلیل ساختار عملکردی محلّه و تعامل بین فعالیت‌ها و شبکه معابر کمک می‌کند. کاربری‌های مذهبی نیز براساس قدم تاریخی به دو گروه تقسیم شده‌اند: برخی با قدمت تاریخی زیاد مانند مسجد ابودر، که به عنوان نشانه تاریخی محلّه محسوب می‌شوند، و گروه دیگر که ایجاد آن‌ها در دوره‌های بعدی بوده و نقش نشانه‌های عملکردی محلّه را ایفا می‌کنند. مرکز محلّه که در مسیر معبر اصلی قرار گرفته است، محل تجمع عناصر تاریخی و کاربری‌های تجاری محلّه است و به‌عنوان هسته مرکزی فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی عمل می‌کند. همچنین، بخش‌هایی از محلّه که هنوز ساختمان‌ها و ابنیه تاریخی خود را حفظ کرده‌اند، به عنوان پهنه‌های تاریخی شناسایی شده و ارزش هویت‌بخشی آن‌ها در حفظ انسجام فضایی و کالبدی محلّه تأکید می‌شود. این ساختار فضایی و عملکردی محلّه شیرکش، نشان‌دهنده سلسله‌مراتب فضایی، تداوم هویت کالبدی و تعامل اجتماعی-اقتصادی محلّه است و تحلیل آن می‌تواند راهبردهای حفاظت، باززنده‌سازی و ارتقای کیفیت زندگی محلّه‌ای را شکل دهد.



شکل شماره (۵): تحلیل یکپارچه محلّه شیرکش

آسیب‌شناسی محلّه شیرکش

تحلیل آسیب‌شناسی محلّه شیرکش، با هدف شناخت نقاط ضعف کالبدی، اجتماعی و عملکردی محلّه و فراهم کردن زمینه برای مرمت بافت تاریخی و حفظ هویت محلّه‌ای انجام شده است. مطالعات آسیب‌شناسی جامع و سیستماتیک، شامل بررسی آسیب‌های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و مدیریتی است و امکان ارائه الگوها و راهکارهای باززنده‌سازی هماهنگ با نیازهای زندگی معاصر را فراهم می‌آورد.

الف) آسیب‌های کالبدی:

کاهش اثرات باقیمانده از بناهای تاریخی: بناهای قدیمی محلّه، به ویژه در کوچه شیرکش دوم، با وجود ارزش تاریخی، به دلیل بی‌توجهی و عدم مرمت در حال فرسایش و تخریب هستند و برخی از آن‌ها به شکل خرابه‌های متروک درآمده‌اند. این وضعیت باعث اغتشاش بصری و تضعیف هویت کالبدی محلّه شده است.

فرسودگی و آسیب مصالح: بناهایی مانند مدرسه دقیقی، علی‌رغم ثبت ملی بودن، در حال تبدیل شدن به ویرانه هستند. فرسودگی مصالح و کاهش ایستایی و استحکام ساختمان‌ها، استفاده و سکونت در این بناها را با مخاطره مواجه کرده است. اختلال در شبکه معابر و ترافیک: همجواری محله با خیابان امام خمینی، یکی از شریان‌های اصلی شهر، موجب شده که معابر محله به عنوان راه فرار از ترافیک شهری مورد استفاده قرار گیرند. این امر باعث کاهش نقش محلی معابر، آلودگی صوتی و آلودگی هوا شده و تجربه سکونت را تحت تأثیر قرار داده است. برخی بخش‌های معبر اصلی که یکطرفه شده‌اند، به دلیل عدم وضوح علائم، در ساعات پرتراffic موجب ایجاد گره‌های ترافیکی و خطر تصادف می‌شوند. با توجه به قرارگیری بناهای تاریخی در مجاورت این معابر، امکان تعریض مسیرها محدود است و تغییر نقش معابر از محلی به عبوری می‌تواند اختلال در آسایش و ایمنی ساکنان محله ایجاد کند.

مشکلات زیرساختی: کف معابر بدون پوشش مناسب، موجب اختلال در تردد عابران پیاده شده است. نبود درپوش مناسب آبراه فاضلاب در انتهای محله، به سمت محله آلوچه‌باغ، باعث ایجاد اغتشاش بصری و انتشار بوی نامطبوع شده است.

ب) آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی:

تغییر جمعیت و کاهش تعلق محلی: فرهنگ بالا شهرنشینی و فروش منازل توسط ساکنان قدیمی باعث ورود مهاجران جدید و کاهش احساس تعلق به محله شده است.

تغییر الگوی سکونت و تراکم: افزایش مهاجران و رشد آپارتمان‌سازی موجب برهم خوردن خط آسمان، کاهش حریمت ویلاهای تک‌خانوار و تغییر مقیاس محله شده است. این تغییرات، علاوه بر کالبد محله، تداوم هویت محله‌ای و انسجام اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است.

کاربری‌های ناهماهنگ: قرارگیری برخی کاربری‌های فرامحله‌ای در ورودی محله، به ویژه در همجواری با خیابان امام خمینی، موجب اختلال در کارکرد محلی و هویت فضایی محله شده است.

به طور کلی، بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که رهاشدگی بناهای تاریخی، تغییرات تراکمی و ساختاری، اختلال در شبکه معابر و ناهماهنگی کاربری‌ها مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده هویت کالبدی و اجتماعی محله شیرکش هستند. شناخت این آسیب‌ها، پیش‌نیاز طراحی راهبردهای حفاظت، باززنده‌سازی و مدیریت پایدار محله است و امکان ارائه راهکارهای متناسب با نیازهای زندگی امروزی و حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی را فراهم می‌آورد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف ساختارشناسی هویت محله شیرکش و تحلیل نقش مؤلفه‌های کالبدی در بازنمایی هویت محله‌ای انجام شد. داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های شفاهی با ساکنان محله جمع‌آوری گردید و به بررسی هویت محله‌ای از منظر سه مؤلفه کلیدی کالبدی، اجتماعی و عملکردی پرداخته شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هویت محله‌ای یک کیفیت پویا و مستمر در طیف زمانی گذشته تا امروز است و حاصل اندوخته‌های ذهنی و تجارب زیستی ساکنان می‌باشد. محله‌ها از نظر کالبدی، فرهنگی، مذهبی و عملکردی تفاوت‌های متمایزی با یکدیگر دارند و این تفاوت‌ها در چیدمان فضایی، استخوان‌بندی کالبدی، الگوی معابر، توده‌گذاری، سبک معماری و ریخت‌شناسی قطعات بروز می‌کند. تحلیل ریخت‌شناسی محله شیرکش بر اساس مکتب کانزن، نشان داد که شبکه معابر شامل معبر اصلی، معابر فرعی بن‌باز و معابر فرعی بن‌بست است و عوامل مؤثر بر این تقسیم‌بندی شامل قدمت، عرض، نقش عملکردی و کاربری‌های پیرامون معابر بوده‌اند. بررسی قطعات و ابنیه نشان داد که به دلیل عدم وجود ویژگی‌های مشترک در فرم، تناسبات، راستا، مساحت، توده‌گذاری و سبک معماری، نمی‌توان الگوی واحدی برای قطعات محله ارائه داد و تنها دانه‌بندی قطعات با ۴ گروه ریزدانه، متوسط، درشت و بسیار درشت، قابل تحلیل بود. الگوی غالب دانه‌بندی در محله شیرکش متوسط گزارش شد. از منظر هویت کالبدی و تاریخی، محله شیرکش دارای عناصر ساختاری مشخص شامل ورودی و خروجی محله، مرکز محله، معبر اصلی و بناهای تاریخی است که باید به همان شکل حفظ شوند. سبک معماری بناهای قدیمی محله به الگوهای تالار و حیاط مرکزی تعلق دارد، اما روند مهاجرپذیری و افزایش تراکم

جمعیتی باعث گرایش به آپارتمان‌سازی چندطبقه شده که تهدیدی برای حفظ هویت تاریخی محله به شمار می‌آید. تحلیل مؤلفه‌های سه‌گانه هویت نشان داد که مرز محله و ارتباط آن با محلات همجوار، پهنه‌بندی کاربری‌ها، معابر، مرکز محله، بناهای تاریخی، طایفه‌های اصیل و آداب و رسوم محلی، نقش کلیدی در بازنمایی هویت محله‌ای دارند. همچنین مقیاس خدمت‌رسانی و قدمت کاربری‌ها از عوامل مؤثر در تقسیم‌بندی و هویت‌بخشی به محله محسوب می‌شوند. با وجود تغییرات ساخت‌وساز، فرسودگی بناهای تاریخی و مهاجرت ساکنان قدیمی، محله شیرکش هنوز دارای ظرفیت‌های هویتی و پویایی اجتماعی است که امکان حفاظت و احیای آن را فراهم می‌آورد. حفظ هویت محله نیازمند شناسایی عوامل زمینه‌ساز فرسودگی و بی‌توجهی به بافت تاریخی، ساماندهی متوازن محله در ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، حمل‌ونقلی و عملکردی و تطبیق مرزهای اداری با مرزهای تاریخی و مدنی محله است. به طور کلی، مطالعه محله شیرکش تأکید می‌کند که شناخت مؤلفه‌های هویتی محلات قدیمی و توجه به اصالت ساختاری و فرهنگی آنها، پیش‌نیاز هرگونه برنامه‌ریزی شهری، حفاظت و باززنده‌سازی بافت تاریخی و ارتقای کیفیت زندگی ساکنان است. عدم توجه به این اصول و بازتعریف مرزها بدون شناخت هویت محله‌ای، می‌تواند موجب خدشه‌دار شدن تعلق خاطر ساکنان و کاهش انسجام اجتماعی_کالبدی محله شود.

منابع و مراجع

- [۱] ابری، ر. کیانی، م.، ۱۳۹۴، بررسی و ارزیابی میزان تحقق پذیری پیشنهادات طرح جامع شهر گرگان، کنگره بین المللی پایداری در معماری و شهرسازی معاصر خاورمیانه
- [۲] میرزاعلی، م.، رزمی، ح. ر.، ۱۳۹۵، کنکاشی پیرامون المان های شهری با رویکرد معماری ایرانی- اسلامی، فصلنامه پژوهش های علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، دوره: ۱، شماره: ۲.
- [۳] بذرگر، م. ر.، ۱۳۹۶، بررسی نقش المان های شهری در تقویت هویت کالبدی؛ مطالعه موردی شهر شیراز. نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۳۰، ۸۳-۱۰۰.
- [۴] بهزاد فر، م.، ۱۳۸۶، هویت شهر، نگاهی به هویت شهر تهران. انتشارات شهر. چاپ اول تهران.
- [5] Behzadfar, Mustafa. (2016). The identity of the city, a look at the identity of the city of Tehran. Tehran: Nashahr Shahr.
- [۶] لینچ، ک.، ۱۳۷۶، تلوری شکل خوب شهر. ترجمه حسین بحرینی. تهران و انتشارات دانشگاه تهران.
- [۷] ابن الرضا، س.، ماجدی، ح.، حبیب، ف.، ۱۴۰۳، تبیین هویت کالبدی معماری بناهای عمومی معاصر در حوزه جغرافیایی شهر تهران، فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، ۱۴(۵۵)، صص: ۴۶۹-۴۵۵
- [8] Sadeghi, Sadegh (2023). Strategic Policy of Identity Components of Ahvaz City. Urban and Regional Policy, 2(2), 80-100.
- [9] AtashinBar, M. (2009). The Continuity of Identity in Urban Landscape. Bagh-e Nazar Journal, 6(12), 45-56.
- [10] Cowan, R. (2005), The Dictionary of Urbanism, London, And Street Wise Press
- [۱۱] موحد، ع.، شمعی، ع.، زنگنه، الف.، ۱۳۹۱، بازشناسی هویت کالبدی در شهرهای اسلامی (مطالعه موردی: شهر ری). برنامه ریزی منطقه ای، ۲(۵)، ۳۷-۵۱.
- [۱۲] کریمی آذر، م.، شاه زیدی، م.، ۱۴۰۱، تاثیر عوامل کالبدی و غیرکالبدی بر هویت محله ای (نمونه مورد مطالعه: محله ستار، منطقه ۱۵ شهر اصفهان). پژوهش های مکانی فضایی، ۱۷(پیاپی ۲۵)، ۱۰۹-۱۲۹.
- [13] Pourjafar, M.R.; Pormand, H.A.; Zabihi, H.; Hashemi Demneh, L.; and Taban, M. (2011). Phenomenology of Identity and Place in Historical Context. Journal of Studies on Iranian Islamic City, 1(3), 11-20.
- [۱۴] میرمقننایی، م.، ۱۳۸۳، معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها. نشریه هنرهای زیبا، ۳۸-۲۹، ۱۹.
- [۱۵] غلامی، م.، حیاتی، ع.، ۱۳۹۲، بررسی تاثیر هویت کالبدی بر انسجام اجتماعی مطالعه موردی؛ محله اوین شهر تهران، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال سیزدهم، شماره ۳۰، پاییز ۹۲.
- [16] Davarinezhad moghadam, M.; and Rahimian moghadam, A.R. (2017). Architectural forms and its impact on visual perception of urban spaces, case study: Ahmadabad Street, Mashhad. The 4th National Conference on Modern Construction Technologies, Sustainable Development and Building Technologies. Mashhad, Iran.
- [۱۷] حیاتی، ع.، ۱۳۸۹، ارزیابی مولفه های هویت بخش محلات شهری، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- [۱۸] ربانی، ج.، ۱۳۸۲، برنامه ریزی درسی و شکل گیری هویت، دو فصلنامه تربیتی و روانشناسی، سال چهارم، شماره ۱(پیاپی ۷)، صص ۶۷۰-۶۵۷.
- [۱۹] رحیمزاده، م. ر.، ۱۳۷۲، مفهوم هویت، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی.
- [20] AminZadeh, B. (2010). Evaluation of Aesthetics and Place Identity. Hoviatshahr, 4(7), 3-14.
- [21] Ebne Reza, S: S., Majedi, H., Habib, F. (2024). Explaining the Physical Identity of Contemporary Public Buildings Architecture in the Geographical Area of Tehran. Geography (Regional Planning), 14(55), 455-469.
- [۲۲] اسعدی جعفرآباد، س.، ۲۰۲۴، بررسی مؤلفه های هویت مندا نماهای ساختمانی؛ مطالعه ای بر جنبه های هویت کالبدی کوی گلستان شهر سبزوار. فصلنامه علمی پژوهش های فضا و مکان در شهر، ۸(۳۲)، ۱۱۷-۱۳۸.
- [۲۳] ابوالحسنی، س. ر.، ۱۳۸۸، تعیین و سنجش مولفه های هویت ایرانی، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، چاپ اول.
- [24] Lewitka.M. (2008), Place attachment, place identity, and place memory; Restoring the forgotten city past, Journal of Environmental Psychology, No.28. pp 209-231

- [25] Hull, R., Brace, M. L., Gabriela V. (1994) place identity: symbols of self in the urban fabric, landscape and urban planing.No 27.pp.109-120.
- [26] Valibeigi, M., & Moddat, E. (2024). Proposing urban design strategies for branding and enhancing the physical identity of new towns (Case study: Sadra New Town). InternationalJournal of Iranian Urban design studies, 1(1), 93-116.